



فاطمه سلماهی

هفتم بدرقه ی راه کن ای طایر دلس که دراز است ره مقصد و من نوسفرم شهادت مولای متقیان حضرت امام علی(ع) رویدادی ویژه در میان مناسبت های مذهبی ما شیعیان است. علی(ع) بزرگی است که به جمع اشداد می شناسندش. هم جاذبه دارد و هم دافعه. همه امام مهربانی است هم مرد جهاد، هم عارف است هم سیاستمدار و هم حاکم جامعه ی اسلامی است. به راستی کیست این انسان کاملی که بر دوستدارانش حتی بیب افراط و غلو می رود و مهرش بر دل ها در شرق و غرب عالم در میان مسلمانان و مسیحیان شرق و غرب اینچنین توفان برپا می کند؟

علی(ع) ملقب به امیرالمومنین(ع) یکی از بزرگ ترین مردان تاریخ اسلام و امام اول شیعیان و داماد و پسرعم پیاپی بزرگ اسلام(ص) است. آری به اعتقاد تمام محققان و دانشمندان اسلامی، علی(ع) مجموعه ی کمالات انسانی را یکجا داشته است.

زندگی و منش شخصیت های اساطیری، تاریخی، مذهبی و ملی در باور عوام مقوله ای پرکشش و عبرت آموزی بوده و جای تامل و پژوهش جدی دارد و در این میان چهره های دینی و مذهبی و به تعبیر دیگر «اولیای خدا» جایگاه ویژه ای دارند. در ادبیات تمام ملل این شخصیت ها در مقام نیروهای شریک در قدرت ماوراءالطبیعت و فرانسائی یا حداقل برخوردار از بخشی از این نیروها - نمایان می شوند و نقش چاره گر و حمایت کننده و فریادس را دارند. ارادت و عشق مطلق ایرانیان به شیعیان به حضرت علی(ع) و فرزندان او باعث شده تا آن بزرگواران در میان چهره های قدسی صاحب نقش در آفرینش های فولکلوریک، سهم بیشتری داشته باشند و در این میان سیمای علی(ع) جایگاه ویژه ای دارد.

علی(ع) ملقب به امیرالمومنین(ع) یکی از بزرگ ترین مردان تاریخ اسلام و امام اول شیعیان و داماد و پسرعم پیاپی بزرگ اسلام(ص) است. آری به اعتقاد تمام محققان و دانشمندان اسلامی، علی(ع) مجموعه ی کمالات انسانی را یکجا داشته، فیلسوفی دانا، خطیبی توانا، قفیه و مبتکر جوانمردی بلندهمت و پاکدامن و... آری آنچه همه خوبان دارند تو یکجا داری.

علی یغنی شمع بیت المال را خاموش کن



علی(ع) پیشوا و مردمی

به مناسبت روز ضربت خوردن امیرالمومنین علی(ع)

می دهد: آنگاه بی آنکه از خود نشانی بگذارد از صحنه خراج می شود.

جهاد و عرفان علی(ع)

دکتر گوستاو لوبون در کتاب «تمدن اسلام و عرب» درباره ی جهاد در اسلام نوشتند: «ما وقتی فتوحات مسلمین اول را به قدرت ملاحظه کرده سبزه ی سوزش چون اندامی غیبی ظاهر می شود و راه نجات و پیروزی را به قهرمان پاک نهاد قصه نشان

شمشیر استفاده کرده اند زیرا آنها به اقوام مغلوبه در قبول مذهب همیشه آزادی می دادند. اگر ملل مسیحی، دین فاتحین خود، یعنی عرب را قبول کرده و سختی زبان آنها را هم اختیار کردند به این علت بود که آنها در مقابل حاکمانی که تا آن وقت زیر شکنجه ی آنها بودند حکام جدید را عادل تر و منصف تر مشاهده کردند به علاوه مذهب ایشان را هم نسبت به مذهبی که داشتند نزدیک تر به

جمله ی علی(ع) حقایق بسیاری را از شخصیت وی آشکار نمی کند که فرمودند: «ولا اعطیت الا قائم السیخه ما تحت افلاکها علی ان اعصی ا... فی تمله اسلبها جلب شعرها فعلت» سوگند به خدا اگر تمام اقالیم زمین را با آنچه زیر آن است به من دهند تا پوست جو را از دهان مورچه درآورم و خدا را این چنین معصیت کنم، چنین نخواهم کرد.

و اما عرفان مثبت در نگاه او عرفانی است که در آن «جنبه ی مثبت روح منظور است یعنی حقایقی که به راهنمایی عقل و اشراف قلبی به روح راه می یابد».

و نیز عرفانی است که عظمت خدایی را با طبیعت پا در هوا هم نسخ نمی داند و همه ی افراد بشری را قابل رسیدن به اوج کمالات روحی و مقامات معنوی می داند. او در عرفان خود عقل را زنده گردانیده و نفس را می کشد. با این حال روشنائی لطیفی در قلب او ایجاد می شود و با آن روشنائی

علی(ع) محور و موضوع بسیاری از قصه های مردم است، روح و جان بسیاری از ترانه ها و نغمه های عامیانه است. فراوان باورها، اعتقادات و آیین ها و مراسم سرزمین ما با نام او پیوند خورده است. او شخصیتی خارق العاده دارد. او تنها کسی است که در خانه ی خدا چشم به جهان گشوده است

راه مستقیم خود را درمی یابد.

به هر حال علی(ع) محور و موضوع بسیاری از قصه های مردم است، روح و جان بسیاری از ترانه ها و نغمه های عامیانه است. فراوان باورها، اعتقادات و آیین ها و مراسم سرزمین ما با نام او پیوند خورده است. او شخصیتی خارق العاده دارد. او تنها کسی است که در خانه ی خدا چشم به جهان گشوده است و دارنده ی تمام صفات بارز انسانی است. در احوان هر جا شنیدید که دسته جمعی می گویند یا علی، یا بنادید آنجا دارند چیز سنگینی را بلند می کنند اگر نزدیک بروید، شما هم باید کمک کنید. در تعزیه ها می گویند اگر ناتوانی بگو یا علی و اگر خسته جانی بگو یا علی، یعنی ای علی(ع) مدد بگیر. بر پایه ی روایتی است که عزرائیل جان هیچ یک از شیعیان امیرالمومنین علی(ع) را نمی تواند بگیرد، مگر که حضرت حضور را ببندد و به او اجازه دهند. علی(ع) در فرهنگ مردم ایران فراتر از محدودیت مذاهب تشیع و تسنن است. علی(ع) و فرزندان او، چهره های قدسی و صاحب سیمایی هستند که جایگاه خاصی نزد شیعیان دارند.

بی محابا درآ بر در کاشانه ی ما که کسی نیست به ذکر تو در خانه ی ما

بگذار تا بگیریم، بر فرق شکافته ی مظهر عدالت، علی مرتضی(ع)



زیب استاسو

استاده ام به نماز در مکانی که ضربت زدن بر سر مولای ما بر سر عدالت، بر سر پدر پیتیم کوفه، بر سر بزرگ ترین انسان دو جهان، بر سر امامی که در نخلستان کاز می کرد، فرزندش امام حسین(ع) کربم اهل بیت بود و امام حسین(ع) حماسه ساز بزرگ تاریخ و عباس(ع) شهید فرات، زینب(س) پیام آور، عاشورا و ام کلثوم(س) که آخرین شب مهماندار پدر بود و حضرت فاطمه(س) همسرش بود. ای خدایی که جمال و نیکی را آشکار می کنی و زشتی را پنهان می سازی! ای خدایی که به گناه مواخذه نمی کنی و پرده ی گناهکاران نمی دری! ای صاحب عفو و بخشش بزرگ که از بدان به نیکی درمی گذری، ای آن که مغفرت بسیار و دو دست به لطف و رحمت گشوده است، ای آنکه از گناهان پاک فرود آورد بدبختی ها را

بارالها: پیامبر بر من گناهای را که تغییر دهد نعمت ها را
بارالها: پیامبر بر من گناهای را که مانع اجابت دعا شوند.
بارالها: پیامبر بر من گناهای را که فرود آند بلا را
بارالها: پیامبر بر من گناهای را که انجام دادم و هر خطایی که مرتکب آن شده ام.
علی مرتضی(ع): هر شب جمعه دعای کمیل تو را قرائت می کنیم به معنای آن ای اندیشمند و دریغ و هزاران دریغ که باز نخوایست مرتکب گناه می شوم، گناهان کوچک، که به غیبت ها گوش می دهیم، به دیدار فامیل کم می رویم و... در شب ضربت خوردن تو یا علی می گویم اقتدر

که صدمم به گوشت برسد ای مظهر عبادت، تو می گیرم، برای تو با چشم همه ی محرومان ای خدای من و ای سید و مولای من مرا از برای آن محراب و آن لفظه که با خون تو رنگین شد، آیا تاریخ به تحیر بر در سرای محراب که تو



علی مرتضی(ع) به پای تو می گیرم، همراه فرزندان تو و پیتیمان کوفه که در گذار پیتیم شدند، تو را همه می دانند در احد که گلبرگی زخم ها، تبت را دشت شقایق کرده بود مگر از کلام باده ی مهر مست بودی که با تازبانی ی هشتاد زخم، بر

لحظه های نگاه علی(ع) را قاب می کنی و قلب من و تو قلبه ی خویش را همان جایی می یابد که «فرت و برت الکتبه» پرکنوه و شاهدانه تلاوت شد و نماز که می خوانیم به امانت مردی که سجده ی خویشش برات همه ی سجده های سرخ است، نماز می خوانیم که همیشه آگاه باشم، همیشه به امانت نمازی که به خون نشست و فاداریم، اندوهم را با شعری از استاد شهریار آرامش می دهم:

علی ای همای رحمت تو چه آبتی خدا را که به ما سوا فکندی همه سایه ی هما دل اگر خدانشناسی همه در رخ علی بین به علی شناختم من به خدا قسم خدا را مگر ای سحاب رحمت تو بیاری ارنه دوزخ به شار قهر سوزد همه جان ما سوا را برو ای گدای مسکین در خانه ی علی زن که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را به جز از علی که آرد پسری ابوالعجایب که علم کند به عالم شهادی کربلا را؟ جو به دوست عهد بندد ز میان پاک بازان چه علی که می تواند که به سر برد وفا نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت متحیرم چه نام شه ملک لافتی را به دو چشم خون فشانم هله ای نسیم رحمت که ز کوی او غباری به من آر توتیبا را نگاه به معنایی به سوی حضرت زینب(س) که تاریخ در سال ها بعد شاهد آن صبوری و آن مهر و عشق خواهر را به برادر به صورت اسوه می نویسد و عباس(ع) را فرات به تفسیر می کشد. علی مرتضی(ع) درباره یات بسیار نوشته اند و شاعران بسیار سروده اند، عظمت وجودت را، تو آن بلندترین هرمی که فرعون تخیل می تواند ساخت و من آن کوچک ترین مور، که به بلندای تو در چشم نمی تواند داشت. کوفه آخرین

منابع
- مناجات حضرت علی(ع)
- هدای کمیل
- قسمتی از مناجات منظومه ی حضرت علی(ع)
اشعار: دکتر موسوی گرمازودی- استاد شهریار